

# استاد

## یک مجموعه زیستی کامل یا یک مجموعه زیستی ترکیبی؟

سید محسن حبیبی

### مقدمه

مسئله حومه نشینی و حاشیه نشینی در ایران به سالهای ۱۳۴۰ بازمی‌گردد. سالهایی که سه برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور<sup>۱</sup> پایان یافته و برنامه چهارم پس از «انقلاب سفید» مدون و در دست اجرا است.

مهاجرت روستائی نشأت گرفته از «اصلاحات ارضی» به سوی شهر در حال شکل گیری است. شهر مکانی است که «صنعت» مونتاز (یا به عبارتی بهتر سرهم کردن قطعات ساخته شده در دیگر کشورها) در اطراف آن پی افکنده شده و یا در حال قوام یافتن است. نتیجه، بالا رفتن نرخ شهرنشینی و تمرکز جمعیت در اطراف شهر است. جمعیت روستائی به نفع جمعیت شهری از رشد بازمی‌ایستد.

برای نخستین بار مواجه با آثار و کارهایی می‌شویم که مسئله جمعیت و جوامع حاشیه نشین در آنها مورد بحث واقع می‌شود.<sup>۲</sup> وجود این آثار و کارها بدان سبب است که مسئله حاشیه نشینی به عنوان یکی معضل اقتصادی - اجتماعی چون سدی در مقابل برنامه‌های دولت رخساره نموده است. این کارها به خوبی نشان می‌دهند که پدیده‌ای تازه تولد یافته است، پدیده‌ای تا آن زمان ناشناخته. پدیده‌ای که به سرعت سرنوشت شهر را تحت تأثیر قرار داده و به عنوان یک معضل شهری و حتی سیاسی خود را مطرح می‌کند.

در برخورد با این پدیده و مسئله شهر، طرحهای جامع شهری از سوی دولت مطرح می‌گردند، برنامه و برخوردی که خود نیز تا آن زمان ناشناخته می‌بود. در ۱۳۴۵ تهران، اولین شهری است که دارای طرح جامع می‌گردد و از آن طریق پاسخ صریح و روشنی به مسئله حومه نشینی و حاشیه نشینی داده می‌شود؛ طرح جامع همه نقاط حاشیه‌ای را در خارج از محدوده‌های قابل ساخت و ساز خود قرار می‌دهد.<sup>۳</sup> بدین قرار مفهوم مناطق حاشیه‌ای در مبحث شهری چهره می‌نماید و به این مبحث شکلی سیاسی می‌بخشد.

با قرار گرفتن در خارج از شهر و از آن ره خارج از قانون، مناطق حاشیه‌ای بی هیچ ضابطه و مقرراتی وسعت می‌یابد. گسترشی که نه «قانون نظارت بر گسترش شهر تهران» (۱۳۵۲)، نه «قانون استفاده از زمینهای خارج از محدوده شهرها» (۱۳۵۵) و نه بسیاری از ضوابط و بخشنامه‌های دیگر نتوانسته‌اند آن را مهار سازند.

بعد از انقلاب اسلامی بهمن ۱۳۵۷ و جنگ عراق با ایران در فاصله ۱۳۶۷ - ۱۳۵۹، مسئله حادثه‌تر می‌گردد. حدت یافتن مسئله دولت را به تصویب بسیاری از مقررات وامی دارد. قوانین و مقرراتی برای تسکین بخشیدن به اوضاع؛ اما و علی‌رغم همه تصمیمات، مسئله به جای خود باقی مانده و از رشد بازمانده است.

### طرح مسئله

تفصیل  
۶۳

تشدید وضعیت سبب گردید تا پژوهشگران و مراکز تحقیقات دولتی و نیمه‌دولتی در قضیه حاشیه‌نشینی سرمایه‌گذاری کنند. در سال ۱۳۶۱، با تشکیل یک گروه تحقیقاتی مرکب از پژوهشگران به مسئله مسکن اصطلاحاً حاشیه‌ای پرداختیم و آن را به عنوان یک پدیده اجتماعی - فضایی مورد بررسی قرار دادیم. آخرین پژوهش ما در این زمینه، که در تابستان ۱۳۶۹ آغاز و در پاییز ۱۳۷۱ به پایان رسید، پژوهشی مربوط به مجموعه زیستی اسلام شهر بود، مجموعه‌ای که به عنوان بزرگترین کانون زیستی اقماری تهران و حتی ایران مطرح شده است. موقعیت و وضعیت اسلام شهر تنها از طریق وضعیت و موقعیت خود تهران قابل بررسی است.

تهران با واقع شدن در کوهپایه بلافصل جبال البرز، از گسترش به سوی شمال و شرق محروم است و جداکثر پیشرفت و گسترش در ارتفاعات را نیز به انجام رسانیده است. گسترش به سوی جنوب - شرقی در جهت شهر و زمین - حدود ۵۰ کیلومتری تهران - و به سوی جنوب - غربی در مسیر جاده ساوه و منطقه شهریار در جریان است. در غرب تهران به سوی کرج گسترش یافته و گسترش تهران به سوی جنوب تقریباً پایان یافته و با اتصال به شهر ری با موانعی چون پالایشگاه، گورستان بهشت زهرا و فرودگاه بین‌المللی مواجه گردیده است. بالا بودن سطوح آب زیرزمینی در جنوب از دیگر موانع گسترش تهران به سوی جنوب است.

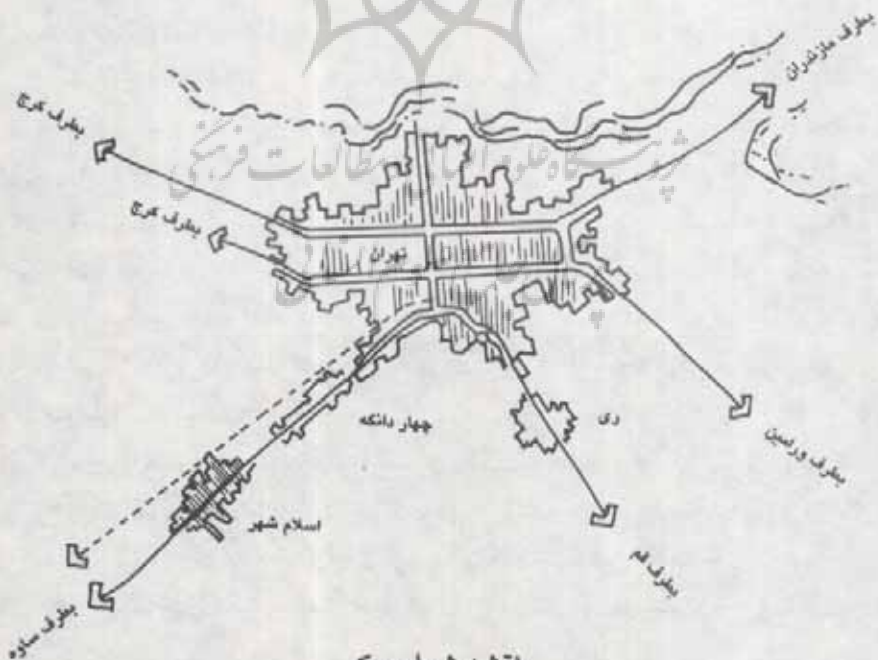
با این اعتبار، وسعت مجموعه شهری یا شهر منطقه تهران که تهران بزرگ نامیده می‌شود روشن می‌گردد. با طولی نزدیک به ۱۰۰ کیلومتر از شرق به غرب (از ورامین تا کرج) و عرضی نزدیک به ۵۰ کیلومتر از شمال به جنوب، این مجموعه کلانشهر حدود نیمی از جمعیت شهری کشور را در خود جای داده است. و این چنین، به قوی‌ترین نیروی

اجتماعی - اقتصادی کشور بدل گردیده است. نیروئی که کاملاً در واسطه گری اقتصادی به معنای وسیع کلمه قرار گرفته و از آن ارتزاق می کند. ر. ک به نقشه شماره ۱. وجود زمین با قیمت‌های نسبتاً قابل قبول (در رابطه با تهران)، حضور نیروی کار ارزان قیمت (که اغلب از طریق همیاری و همکاری اجتماعی نیز تأمین می گردد) و استفاده مواد و مصالح ساختمانی با کیفیتی نازل، به مهاجرین این امکان را می دهد که مساکن و محیط مسکونی خویش را در حاشیه های نامرغه برپا سازند.

در چنین شرایطی، هسته های روستائی قدیمی و به خصوص آنها که در جوار راه ها و جاده هایی که از تهران منشعب می شوند، صحنه قوی ترین و وسیع ترین عملیات واسطه گری و سوداگرانه واقع می شوند. با تغییر یافتن به شهرهای کوچک (از نقطه نظر آماری)، این کانونها خود را از یکدیگر متمایز می سازند. این کانونها در ارتباطی مستقیم با تهران و مکانهای کار اطراف آن قرار دارند. هم از این روست که می توان به روشنی از کلانشهر تهران به عنوان یک منطقه شهری یاد کرد.<sup>۶</sup>

نقشه ۴۴

بنابر آمار ۱۳۶۵، حدود ۷۹٪ از جمعیت این منطقه شهری در یک شهر مجتمع گذشته اند (تهران)، ۱۹٪ در ۴۶ مجموعه شهری بیش از ۵۰۰۰ نفر (که شهر نامیده



نقشه شماره یک

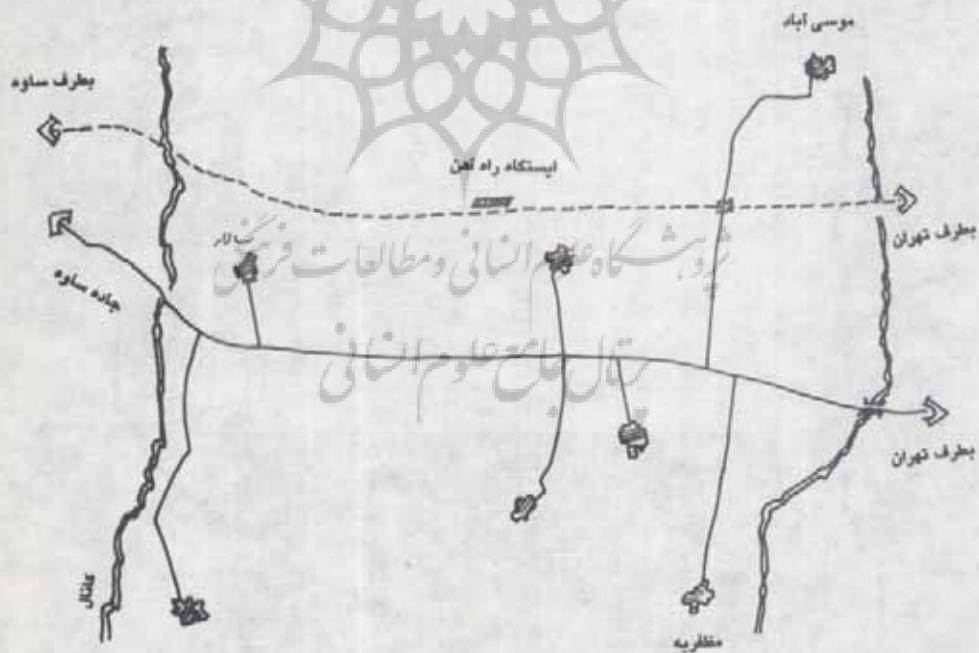
می شوند) می زیند و بقیه، یعنی ۲٪ در ۱۷۴۵ روستا زندگی می کنند؛ به اعتباری دیگر هر روستا حدود ۱۳ خانوار یا ۶۵ نفر را در خود جای داده است. ۷ سلسه مراتب اجتماعی - فضائی در چنین وضعیتی بسیار بامعنا است.

در ترکیبی فضائی این چنین شکل گرفته، اسلام - شهر با حدود ۳۰ کانون یا هسته زیستی، مکانی خاص یافته است. با قرار گرفتن در ۱۸ کیلومتری تهران در حدود ۲۰ کیلومتری کارخانه های واقع بر روی جاده مخصوص و جاده قدیم کرج و در میانه منطقه صنعتی استقرار یافته بر روی جاده ساوه، اسلام - شهر در یک تقسیم کار اجتماعی - فضائی مشخص با تهران از سوئی و با کرج از دیگر سوی قرار گرفته است.

۶۵ خانوار

### تک نگاری اسلام - شهر

با توجه به تحقیق انجام یافته، در سال ۱۳۴۵ در منطقه مورد مطالعه، حدود ۱۰ روستا وجود می داشته است. ک به نقشه شماره ۲ - که به مرکزیت یک روستا، «قاسم آباد شاهی» در ارتباط مستقیم با جاده ساوه قرار می گرفته. مجموعه این روستاها جمعیتی حدود ۱۰۰۰ نفر یا تقریباً ۲۰۰ خانوار را در خود جای می داده است. اجرای طرح سد

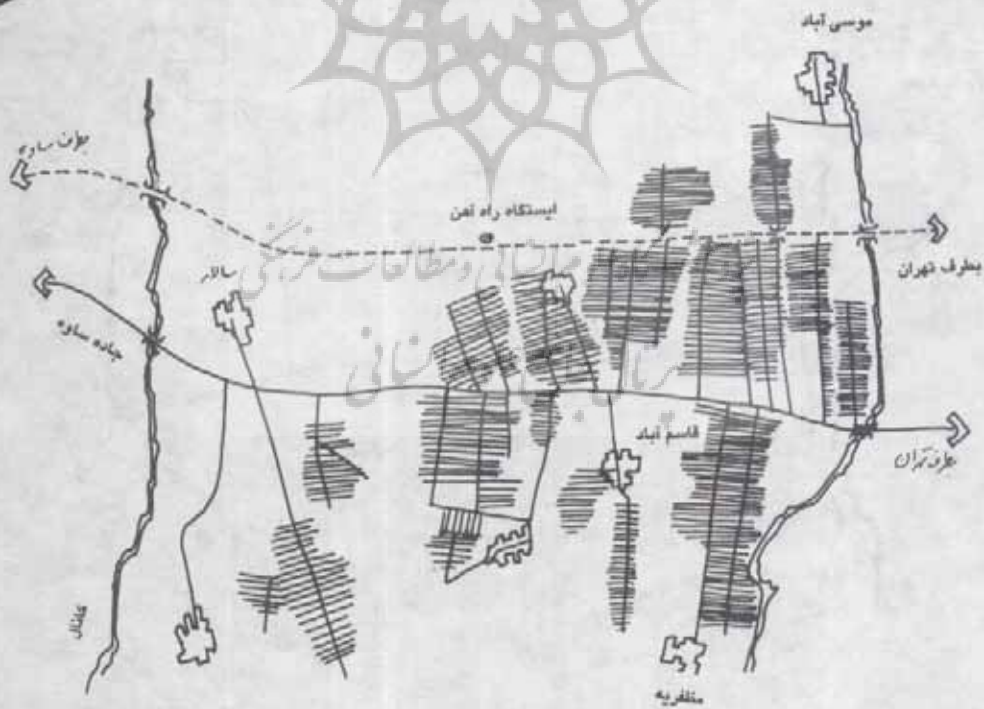


نقشه شماره ۲

کرج، این روستاها را از دسترسی به آب کشاورزی محروم می‌کند. این امر با قطعه بندی زمین های کشاورزی در پس اصلاحات ارضی همراه گشته<sup>۸</sup> و به صاحبان این زمین ها اجازه می‌دهد تا از سوئی به سوداگری بر روی زمین بپردازند و از دیگر سوی در سوداگری بر ساختمان و مسکن سهمی عمده را بر عهده گیرند. زمین های سابق کشاورزی به مجموعه های زیستی خوابگاهی و مسکن ارزاقیمت تبدیل می‌گردند.<sup>۹</sup>

از همین رو است که مجموعه روستاهای واقع شده در این مکان، در طول اجرای برنامه های توسعه اقتصادی سوم و چهارم کشور، به یک مجموعه زیستی، نه شهری، ولی با نوعی قطعه بندی اصطلاحاً شهری، تبدیل می‌گردد. با رشدی حدود ۱۰٪ در سال، این مجموعه در سال ۱۳۵۵ حدود ۵۰۰۰۰ نفر را در خود جای می‌دهد.<sup>۱۰</sup> در این زمان، این جمعیت در ۲۹ هسته و یا کانون کاملاً متفاوت توزیع گردیده و همگی تحت عنوان «شاد شهر» مطرح می‌شوند. این نکته مهم نیز باید یادآوری گردد که حتی در آن زمان این مجموعه به عنوان یک شهر تلقی نمی‌شده است. این مکان همیشه به عنوان مجموعه ای از کانونهای زیستی کوچک با نوعی زندگی بین کانونی کاملاً روشن مطرح بوده و می‌باشد. در سال ۱۳۵۵، این مجموعه زیستی کاملاً در ارتباط با کارخانه های اطراف خود

کاشانی ۶۶



نقشه شماره ۲

قرار دارد و بدین ترتیب رابطه‌ای کم و بیش مستحکم با سازمان تولیدی کشور را برقرار می‌کرده است. اما با جریان یافتن دلارهای نفتی در بازار کشور و دگرگونی شیوه زندگی، رفتار اجتماعی به سوی نوعی زندگی مصرفی در مفهوم وسیع کلمه سوق داده می‌شود.<sup>۱۱</sup>

رونق یافتن سوداگری پولی و ارضی، سبب می‌گردند تا این مجموعه زیستی به کانون اقماری، در معنای اقتصادی کلمه، تهران، بدل گردد. دور باطل چرخش پول و سرمایه - در مفهوم سوداگرانه آن - بازتاب خود را در این مجموعه باز می‌یابد. دستیابی به درآمد سهل، دلیل اصلی موج‌های پیاپی و سنگین روستائیان است که از این پس به این مکان می‌رسند.<sup>۱۲</sup>

با رشد سالیانه‌ای بین ۱۸ تا ۲۳ درصد و در فاصله‌ای پانزده ساله، اسلام - شهر امروزین حدود ۳۰۰۰۰۰ نفر جمعیت بنا بر منابع رسمی و حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر بنا بر منابع غیررسمی را در خود جای داده است. این جمعیت بر زمینهایی مقام گرفته است که قطعه‌بندی آنها در سال ۱۳۵۵ انجام یافته بود؛ زمانی که ساخت و ساز و یا به عبارتی بهتر پیش‌بینی ساخت و ساز شهرکها دستور روز بود. رک به نقشه شماره ۳.

### استقرار

از ۲۹ کانون متشکله اسلام - شهر، یازده کانون در شمال جاده ساوه و ۱۸ کانون در جنوب این جاده واقع شده‌اند. استقرار هر کانون در رابطه با دیگر کانونها و در رابطه با جاده بسیار بامعنا است:<sup>۱۴</sup>

یکم: کانونهایی که از یکدیگر به وسیله زمینهای وسیع کشاورزی جدا می‌گردند. در شمال جاده ۷ کانون در این دسته جای می‌گیرند، در حالی که کانونهای واقع شده در جنوب جاده ساوه همگی این چنین هستند.

دوم: کانونهایی که در مجاورت یکدیگر قرار گرفته ولی ارتباط مستقیمی بین آنها برقرار نیست. این کانونها همگی در شمال جاده واقع شده و تعداد آنها چهار کانون می‌باشد.

در هر دو مورد، کانونها بوسیله زمینهای کشاورزی و یا باغ، باغات، کارگاههای کوچک و بزرگ، خدمات بین جاده‌ای و... از جاده ساوه فاصله می‌گیرند. بدین اعتبار و از نقطه نظر ریخت‌شناسی شهری و منظر عمومی، هیچ رابطه‌ای بین بافت مسکونی و جاده برقرار نمی‌گردد.

### ترکیب جمعیت

بررسی نشان می‌دهد<sup>۱۵</sup> که اکثریت خانوارها را خانوارهای کثیرالاولاد تشکیل

می دهند: خانوار سه نفره ۹٪، چهار نفره ۱۲/۴٪، ۵ نفره ۱۷/۳٪، شش نفره ۱۷/۲٪، هفت نفره ۱۷٪ و ۸ نفره ۹٪ هستند. آمار نشان می دهد که تنها ۲۱/۴٪ از خانوارها دارای یک یا دو فرزند هستند، این امر از سوئی جوان بودن جمعیت را نشانگر است و از دیگر سوی رفتار باروری را بیان می دارد.

### شرایط کار

بخش اعظم نیروی کار مجموعه زیستی اسلام - شهر را کسانی تشکیل می دهند که در تهران مشغول به کار نیستند. این نیرو در کارخانه های صنعتی واقع شده بر روی جاده های ساوه و کرج مشغول به کار است. ۲۱/۳٪ از افراد مورد پرسش واقع شده در خود اسلام - شهر کار می کنند، ۶/۸٪ در اطراف آن اشتغال دارند، ۱۹/۵٪ در کارخانه ها و کارگاههای مستقر بر روی جاده کرج مشغول به کار هستند و ۳۶/۷٪ در اطراف جاده ساوه اشتغال یافته اند.

برای رسیدن به محل کار، ۹/۴٪ از شاغلین، حدود ۵ دقیقه زمان را ذکر کرده اند، ۶/۸٪ حدود ۱۰ دقیقه را صرف می کنند، ۱۹٪ نزدیک به نیم ساعت زمان نیاز دارند، ۲۶/۹٪ قریب به یکساعت زمان را صرف می کنند و ۲۳/۲٪ بیش از یکساعت. به



عبارتی دیگر حدود ۵۰٪ از مردمان بیش از یکساعت زمان برای رسیدن به محل کار نیاز دارند و نزدیک به ۳۵٪ کمتر از یکساعت را صرف می کنند. این زمان در رابطه با کل کشور - و حتی دیگر کشورها - زمانی منطقی بنظر می رسد.

### زندگی اجتماعی و خدمات جمعی

بخش اعظم از نیازهای اولیه در خود مجموعه تأمین می گردد. به عنوان مثال، ۹۳/۴٪ از خریدهای روزانه در داخل هر کانون انجام می گیرد و تنها ۴/۵٪ از دیگر جاها تأمین می شود.

زمانی که برای خرید صرف می گردد، برای ۳۸/۴٪ از موارد کمتر از ۵ دقیقه (بیاده) است، برای ۴۴/۵٪ حدود ۱۰ دقیقه (بیاده)، و برای ۱۰٪ نزدیک به نیم ساعت (بیاده) می باشد. ۶۵/۶٪ از افراد پرسش شده از تعداد مغازه ها رضایت دارند و برای ۲۷/۴٪ این تعداد کفایت نمی کند.

در اسلام - شهر و برای مجموعه کانونها، ۲۶ دبستان پسرانه و ۲۵ دبستان دخترانه وجود دارد. ارقام نشان می دهند که تقریباً هر کانونی دارای دبستان خاص خویش

کتابخانه ۴۹

۲ و ۳ شیفته بودن مدارس، کیفیت تحصیلی را کاهش می دهد





است. اما این ارقام کمبود را نیز نشانگر هستند. تعداد زیاد کودکان، خصوصیت فعالیت آموزشی را کاملاً دگرگون کرده است و به روشنی کمبود را بازگو می کند: حدود ۵۰٪ از مدارس دو نوبتی هستند و نیمی دیگر را مدارس سه نوبتی تشکیل می دهند.

در رابطه با مدارس راهنمایی، ۱۵ مدرسه پسرانه و ۱۴ مدرسه دخترانه در کل مجموعه یافت شده اند و کم و بیش نقشی بین کانونی را بازی می کنند. مدارس راهنمایی دونوبتی است. دونوبتی بودن نشانه ای است از کمبود فضای آموزشی. ۷ دبیرستان دخترانه و ۴ دبیرستان پسرانه دو نوبتی در مجموعه اسلام - شهر وجود دارد. کم بودن تعداد دبیرستان را می توان به دو دلیل تبیین کرد: یکی، قطع ادامه تحصیل دختران پس از دوره راهنمایی، و دیگری جابه جایی روزانه پسران به سوی نواحی جنوب تهران - به خصوص چهاردانگه - برای ادامه تحصیل در محیطی کم و بیش بهتر.

یک بیمارستان - در حال ساخت - چهار درمانگاه و یک خانه بهداشت، مکانهای بهداشتی - درمانی اسلام - شهر را تشکیل می دهند و هر کانون حمام عمومی مخصوص به خود را دارا می باشد.

### رفتار رئیس خانوار

این رفتار در رابطه با کانون خانوادگی - در معنای سنتی آن - دگرگون گشته است: ۳۹٪ از مردان در کارهای روزانه خانگی به زن و فرزندان خود کمک می کنند، ۱۸/۵٪ در تکالیف آموزشی به فرزندان خویش کمک می کنند و ۳۹/۵٪ به علت کمبود وقت از کمک به کانون خانوادگی خویش معذور هستند. برای ۶۷/۲٪ از موارد، خرید روزانه بوسیله رئیس خانوار صورت می پذیرد. بدین اعتبار دگرگونی عمده ای در رفتار سنتی رئیس خانوار رخ داده است.

۹۷/۹٪ از خانوارها تنگ همسری هستند و تنها ۰/۱٪ از خانوارها چند همسری می باشند، ۱/۲٪ از مردان و ۷/۰۳٪ از زنان بیوه هستند.

خانگی ۷۰

پرتال جامع علوم انسانی

### نقش زنان

نقش زنان در درآمد خانوار کاملاً محدود است: ۹۷٪ از زنان خانه دار و تنها ۲/۶٪ شاغل می باشند. ۴٪ از زنان خانه دار به شغلی درآمدزا نیز مشغول می باشند؛ این اشتغال عمدتاً در منزل صورت می پذیرد (فعالتهایی نظیر بافندگی، آرایشگری و...).

نقش اصلی زن اسلام - شهری را می توان در سهمی که در روابط همسایگی برعهده می گیرد تعریف کرد، این امر به خصوص در همیاری و کمک متقابل نهفته است که زندگی کانون و از آن ره محله را تحت تأثیر قرار می دهد. برای اکثریت مطلق زنان

(۹۸٪)، کمک متقابل و روابط همسایگی، حلقه اصلی زندگی روزانه آنان است. در پاسخ به این سؤال که چه رابطه‌ای با ساکنین محله خود دارید؟ ۷۸/۸۳٪ از رابطه‌ای خوب سخن گفته‌اند، ۱۴/۷۵٪ از نبود رابطه گفته‌اند و ۱/۴٪ از رابطه‌ای بد یاد کرده‌اند.

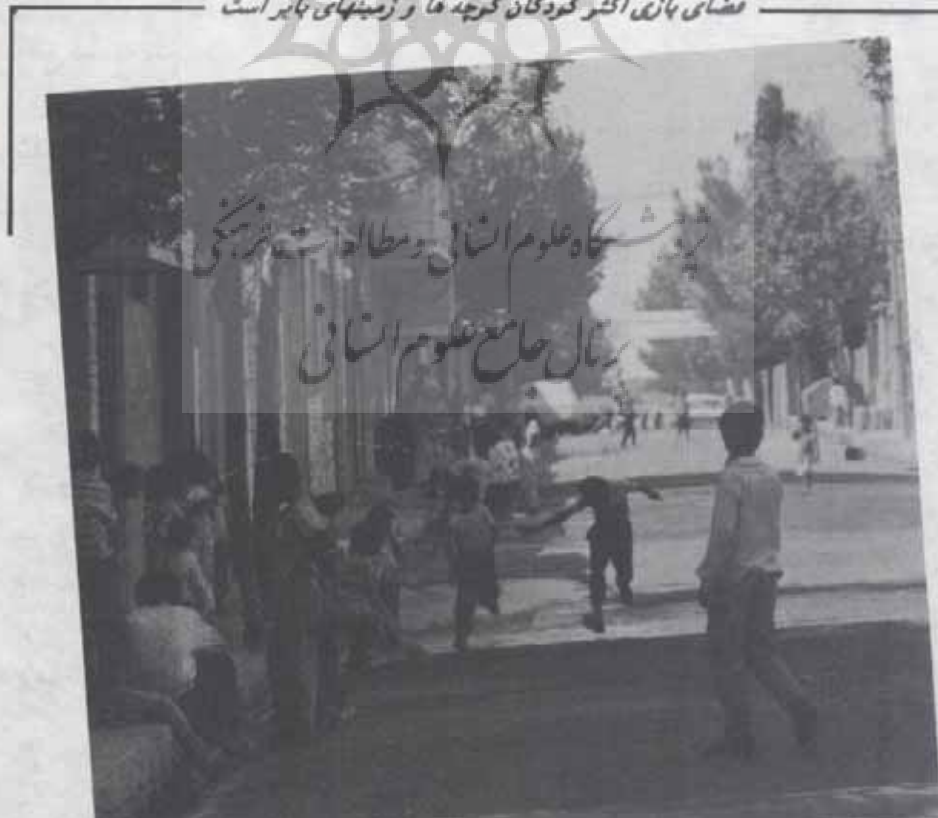
۹۵/۶٪ از زنان از نبود دخالت‌های بی‌جای همسایگان در زندگی خصوصی خود خرسند هستند، در حالی که ۸٪ از آنان از چنین مداخلاتی اظهار نگرانی کرده‌اند.

۲۳/۹٪ از زنان از کمک متقابل در همه زمینه‌ها یاد کرده، ۳۱/۸۵٪ از این کمک در محدوده‌هایی مشخص سخن گفته، ۱۶/۲٪ از آن به عنوان اطلاع‌رسانی برای مواد جیره‌بندی شده استفاده کرده و ۲۱/۷٪ نبود این کمک متقابل و یا عدم تمایل به شرکت در آن را بازگو کرده‌اند.

### کمک متقابل - همیاری

نحوه همیاری اجتماعی بسیار جالب توجه است؛ ۴۶/۳٪ از موارد از این همیاری

فضای بازی اکثر کودکان کرچه‌ها و زمینهای باير است



برای اطلاع‌رسانی در مورد اجناس جیره‌بندی شده استفاده می‌کنند، ۱۷/۸٪ از همیاری به عنوان نگاهداری کودکان یاد می‌کنند، ۴۰/۷٪ از آن برای قرض گرفتن و یا قرض دادن مواد خوراکی استفاده می‌کنند، ۲۰/۸٪ از آن برای انجام دادن کارهای خانگی سود می‌برند و ۲۰/۸٪ برای برپائی جشن و مراسم دیگر از همیاری دیگران برخوردارند. این امر نیاز به یادآوری دارد که تنوع همیاری‌ها به معنای تقابل آنها نیست بلکه وسعت محدوده همیاری را روشن می‌سازد.

اهمیت این امر با در نظر گرفتن شرایط زندگی جامعه مورد مطالعه دوچندان می‌گردد، جامعه‌ای که در آن مواد و محصولات ارزانیقیمت نقش حیاتی و عمده‌ای در کاهش هزینه‌ها و هزینه زندگی دارد. به همین دلیل است که این نوع زندگی اجتماعی به سرعت در زمینه‌ای فرهنگی جای می‌گیرد. همیاری به نوعی رفتار اجتماعی بدل می‌گردد.

### اوقات فراغت

مکانی که کودکان بازی می‌کنند در ۷۶٪ موارد کوچه است؛ و برای ۹/۵٪ زمینهای آزاد و بایر حول و حوش مسکن و یا محله به عنوان مکان بازی تلقی می‌گردد. اوقات فراغت برای دیگر اعضای خانواده (به خصوص در شبها) عمدتاً در مقابل تلویزیون می‌گذرد (۸۴/۴٪ از موارد). این اوقات در طول روز و به خصوص برای زنان با گوش دادن به رادیو (۷۸/۳٪) سپری می‌گردد. برای ۶۴/۷٪ از خانوارهای مورد پرسش واقع شده، مهمان کردن یا مهمان شدن عادی‌ترین شکل گذران اوقات فراغت است.

### نقش دولت

در جامعه‌ای که روابط اجتماعی نقش عمده‌ای در کاهش مسائل روزانه می‌یابد، نقش دولت بیش از پیش ضعیف می‌گردد. پاسخ داده شده به چگونگی نقش شهرداری (به عنوان نماینده دولت) در محله بسیار با معنا است ۸۰٪ از پرسش‌شوندگان به گونه‌ای قاطع چنین نقشی را انکار کرده‌اند و تنها ۱۵٪ رضایت خویش را در رابطه با نقش شهرداری اعلام داشته‌اند. ۸۳/۲٪ بر این باورند که شهرداری عملکرد ندارد و ۱۱/۷٪ از عملکرد خوب شهرداری سخن می‌گویند.

در حالی که ۴۸/۷٪ از مردمان در امور محله سهمی به عهده دارند، ۴۵٪ از شرکت در آن خودداری می‌ورزند. این عدم شرکت یا به وسیله عدم خشنودی از نقش شهرداری و دولت تبیین می‌گردد و یا از طریق بدبینی عمومی در ارتباط با مشارکت عمومی و اجتماعی توجیه می‌شود و یا اینکه بالاخره با این واقعیت تفسیر می‌گردد که مردمان فکر می‌کنند که پرداختن به امور محله از وظایف دولت (یعنی شهرداری) است.

فضای بازی احداث شده توسط شهرداری



عقد ۷۳

تصویر کتابخانه عمومی در دست احداث در خیابان آیت... کاشانی



## وضعیت مسکن

پژوهش ما نشان می‌دهد که طیف وسیعی از اقشار اجتماعی در اسلام - شهر زندگی می‌کنند. بسیاری از محلات و یا کانونهای مرکزی بوسیله اقشار میانه حال تصرف شده‌اند در حالی که کانونها و هسته‌های دورتر و محلات حاشیه‌ای مجموعه در تصرف اقشار پائینی و بسیار تهیدست قرار گرفته‌اند.

حضور قوی اقشار میانه حال با قیمت بسیار بالای مسکن و زمین در تهران تبیین می‌گردد. سطح کم و بیش گسترده خانه‌ها و آپارتمانهای ساخته شده در تهران، این مسکن را خارج از حیطه دسترسی اقتصاد محدود اقشار میانه حال می‌گذارد. سطح قابل زندگی ۷۶٪ از خانه‌های اسلام - شهر بین ۵۰ تا ۱۰۰ متر مربع می‌باشد؛ سطحی که برای اقشار میانی در تهران بسیار کم قابل حصول است. حدود ۷۰٪ از خانوارهای اسلام - شهری ملکیت خانه خویش را صاحب هستند.

۹۸/۶٪ از خانه‌ها در اسلام - شهر دارای آب لوله‌کشی بوده و ۹۸/۹٪ از آنها دارای برق می‌باشند، در حالی که تنها ۱۰٪ از خانه‌ها از تلقن خصوصی بهره می‌برند. به علت نبود سیستم فاضلاب، ۹۷/۳٪ از خانه از چاه‌های جذبی برای ریختن فاضلاب استفاده می‌کنند، در حالی که آبهای آلوده ناشی از شستشو - چه حمام، چه آشپزخانه - برای ۹۷٪ از موارد در جویهای سرریز کوچک‌ها و خیابانها سرریز می‌گردند. این جویها به سوی خارج از هر کانون هدایت شده و در نهایت بوسیله نهرهای روباز و سرپوشیده روانه زمینهای زراعی واقع شده در جنوب مجموعه می‌گردند.

۸۹/۵٪ از مسکن بوسیله رادیو، ۸۸٪ با تلویزیون، ۹۵٪ با یخچال، ۹۲٪ با کپول گاز و ۷۰٪ با ماشین رختشویی مجهز شده‌اند.

۶۰٪ از میانگین بیش از ۹ سال بوده و ۱۳/۵٪ از آنها در فاصله‌ای بین ۱۵ تا ۲۰ سال پیش ساخته شده‌اند. ۹۱٪ از منازل بوسیله آجر و آهن ساخته شده‌اند.

سطح هر قطعه زمین برای ۸۰٪ از واحدهای مسکنی بین ۵۰ تا ۱۰۰ متر مربع، برای ۱۰٪ بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر مربع و برای ۶/۷٪ بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ متر مربع قرار دارد و فقط ۲٪ از قطعات سطحی بیش از ۲۰۰ متر مربع دارند.

۷۵٪ از خانه‌ها سه تا چهار اتاق هستند و اکثریت قطعی آنها دارای آشپزخانه، حمام و آبریزگاه می‌باشند.

کلنگو ۷۲

## شیوه زندگی

الگوی زندگی و نحوه استفاده از فضای مسکن بین رفتاری «جدید» و شیوه‌ای کهن

درآمد و شد است: برای ۵۷٪ خانوارها، بزرگترین اطاق (در رابطه با دیگر اتاقها) فضائی چند عملکردی است. ۴۲٪ از خانوارها از این فضا برای مهمانان خاص استفاده می کنند، ۹٪ آن را چون اتاق نشیمن مورد استفاده قرار می دهند و ۲۲/۵٪ از خانوارها از آن به عنوان اتاق خواب پدر و مادر یاد می کنند.

اتاق دوم، آن نیز برای ۶۳/۷٪ از خانوارها، فضائی چند عملکردی است. ۲۶٪ از خانوارها آن را چون اتاق بچه ها مورد استفاده قرار می دهند و ۲۱٪ از آن به عنوان اتاق پدر و مادر یاد می کنند. برای ۱۳٪ خانوارها چون اتاق نشیمن تلقی می گردد و برای ۱۶٪ به عنوان اتاق میهمانی استفاده می شود.

برای اتاق سوم - در خانه هایی که چنین اتاقی وجود داشته باشد - نیز همین شیوه استفاده از فضا تکرار می گردد. شیوه ای که نه «سنتی» است و نه «نوین». گو اینکه این نوع استفاده از فضا می تواند بوسیله کمبود فضاهای ضروری تبیین گردد، ولی نباید الگوی فرهنگی زیست را فراموش کرد که این شیوه استفاده از فضا در آن ریشه دارد.

### تحلیل: چگونگی و خصوصیت دگرگونی

بنابر آنچه آمد، ما شاهد نوعی شکل و چگونگی زندگی ای هستیم که کاملاً سازمان داده شده اند، سازمانی که نه شهری است و نه روستائی، این امر عبارتست از نوعی شکل گروهی - جامعه ای با نوعی زندگی اجتماعی در معنای جدید: یک پدیده تازه اجتماعی - فضائی در حال شکل گیری است.

گواینکه اسلام - شهر در پیرامون بلافصل تهران واقع شده است و از بازار کار تهران تغذیه می کند، از نقطه نظر اجتماعی - فرهنگی این مجموعه زیستی با کانونهای متشکله اش، چون «قطبی» تازه پدیدار شده است. «قطبی» که نه تنها مهاجرین روستائی و مهاجرین شهرستانی، بلکه مهاجرین خود تهران نیز راهی آنها می شوند. آمیخته ای از روستائی - شهری، ترکیبی قومی و آمیزه ای از شیوه های زیست و زندگی متفاوت به «جامعه جدیدی» حیات بخشیده است که در هسته ها و کانونهای متفاوت پراکنده گشته، و هر یک تعریف خاص خود را دارا شده اند.

#### مفتی ۷۵

با عنایت به این امر، گمان داریم که جهانی کردن و تسری نظریه هایی که از این پیش در کشورهای در حال توسعه مطرح گشته اند، (نظریه هایی چون نظریه همزیستی و همجواری اجتماعی - فضائی در مورد شهرهای افریقائی، کانونهای حاشیه ای در کازابلانکا یا برازیلیا، بافتهای غیرتاریخی در مورد مکزیکوسیتی، سازمان و تشکیلات اجتماعی - اقتصادی آشفته در مورد شهرهای فیلیپین به خصوص مانیل و غیره) به مجموعه های زیستی پیرامونی شهرهای بزرگ ایران، به هیچ وجه معنایی ندارند. و اگر بر این امر پای فشرده شود،

در مقابل نوعی از قلب مسئله واقع خواهیم شد و قضیه واژگونه خواهد گردید. تسری و عمومیت بخشیدن این نظریه ها به دو دلیل غیر قابل قبول خواهد بود: «ثبات» نسبی درآمد ملی و نقش برتر سازمان اجتماعی - فرهنگی در روابط اجتماعی، دو موردی هستند که این امر را خصوصیت پذیر می کنند.

در نخستین مورد، ورود دلارهای نفتی در بازار و گردش سوداگرانه سرمایه، وضعیتی را ایجاد کرده است که در آن اقشار پائینی جامعه از حداقل درآمد برای زیستن برخوردار هستند. این درآمد حداقل با آنچه در کشورهای فقیر جهان سوم وجود دارد، قابل مقایسه نیست.<sup>۱۶</sup> نتیجه این تفاوت چه در محتوی و چه در شکل کالبدی مسکن به خوبی تظاهر می کند، مسکنی که در آن فضاهای ضروری و حداقل ایجاد شده اند. از نقطه نظر فضای کالبدی، این مسکن هیچ تفاوتی با مساکن معمولی شهر ندارد، بنابراین ما شاهد فضای حاشیه ای بس فقیرانه که در دنیا مشهور هستند، نمی باشیم. اگر مواردی نادر وجود داشته باشند، نمی توان آنها را چون یک مجموعه زیستی مورد بررسی قرار داد، آنها مجموعه ای از چند خانوار بیش نیستند. بنابراین، ساخت و ساز چنین مسکنی، (مسکنی شبیه به آنچه در شهر وجود دارد)، عملاً در شکل بندی موجودی ساختمان و مسکن کشوری جای می گیرد.<sup>۱۷</sup>

تصویری از خیابان باغ فیض، از محورهای مهم خدماتی مجموعه



در دومین مورد، یعنی تسلط روابط فرهنگی - اجتماعی، وضعیت نیز کاملاً متفاوت از آنی است که در دیگر کشورهای مشابه وجود دارد. وجود نوعی زندگی اجتماعی، بر روابط فردی و جمعی در گستره‌ای وسیع تأکید دارد. این زندگی و آن روابط از محدوده خانوار و حتی خانوار گسترده بس فراتر می‌رود. زندگی اجتماعی این چنین تعریف شده، در همه زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی فضائی انعکاس یافته و در عین ایجاد مشکلات، امکانات جدیدی را نیز فراهم می‌آورد.

در چنین وضعیتی، فضای خصوصی، فضای عمومی، فضای نیمه خصوصی و فضای نیمه عمومی، هر یک مفهوم و معنائی خاص می‌یابند که در قوانینی نانوشته تعریف گشته‌اند. در این چارچوب، ملکیت فضای خصوصی شرط لازم برای مسکن است، بنابراین زیستن در فضائی کاملاً تعریف شده، با حداقل امکانات برای یک زندگی متوازن امری غالب می‌گردد. در این شرایط مسکن به عنوان یک فضای حفاظت کننده، چه از نقطه نظر ذهنی و چه از نقطه نظر عینی، تلقی می‌گردد، امری بسیار مطلوبتر در رابطه با مسکنهائی که به عنوان «حلبی آبادها» در غرب شناخته می‌شوند.<sup>۱۸</sup>

بدین اعتبار و در مقیاس ملی ما شاهد شکل‌گیری کانونهای زیستی ای هستیم که، در چارچوب فضائی به حداقل ممکن کاهش یافته، بیشترین امکانات را برای استفاده کنندگان خود فراهم آورده است. و هر چند چنین شکل‌گیری کالبدی، در مفهوم کلاسیک برنامه‌ریزی، مورد برنامه‌ریزی واقع نشده باشد، نوعی سازمان اجتماعی - فضائی را عرضه می‌دارد. به عبارتی دیگر، ما شاهد تولد بافتهای غیرتاریخی نبوده بلکه کاملاً برعکس، چنین سازمان فضائی پاسخی تاریخی به شرایط اجتماعی - اقتصادی است که در کشور جریان دارد.

در حقیقت، ما در مقابل یک ترجمان فضایی با معنای سازماندهی شده قرار داریم. هر چند که این تشکیلات، به نظر ما، خود به خودی و خودجوش باشد، بسیار دورتر از آنی است که بتوان آن را به نوعی هرج و مرج اجتماعی - فضایی تعبیر کرد، نه در مقابل همزیستی و همجواری کانونهای زیستی قدیم و جدید واقع هستیم و نه شاهد نوعی بازتولید سستی مسکن و محیط ساخته شده می‌باشیم. امری کاملاً متفاوت وقوع یافته است، شکلی جدید و تازه از استقرار انسانی برپا گشته است. این تلاشی است برای پاسخ گفتن به دگرگونی اجتماعی که می‌توان آن را چون مدیریتی درونی و درون‌زا از نواحی تعبیر کرد.

این شکل ساخت نمی‌تواند چون بیانی از شرایط دوران گذار ارزیابی شود. بالاخره ما در مقابل پدیده‌ای قرار گرفته‌ایم که نه شهری است، نه روستائی. الگویی جدید از شهرگرایی کالبد یافته است. الگویی که در آن روابط در معنای شهری خود به کار گرفته نمی‌شوند، الگویی که در آن روابط اجتماعی - فرهنگی روستائی، از طریق مبحثی نو در همه



جا حضور دارد. امری که می‌تواند چون نوعی نوگرایی فرهنگی مورد نظر واقع شود. بازگشتی به تاریخ می‌تواند این امر را تأیید کند. مفهوم «مناطق شهری»<sup>۱۹</sup> در حیطه‌ای معنا می‌یابد که شهر و روستاهای پیرامونی آن هر یک به دیگری وابسته گردیده و در عین حال کانونها و هسته‌های کم و بیش خوداتکایی را به وجود می‌آورند که هر یک با شهر مرکزی در ارتباطی مستقیم قرار می‌گیرد، در این حالت شهر مکانی است که در پیرامون آن فعالیتهای اصلی اقتصادی در جریان است.

این امری است که به گونه‌ای در اسلام - شهر رخ داده است: مجموعه‌ای متشکل از تعدادی کانون زیستی وابسته به منطقه تهران با ارتباطی مستقیم از طریق جاده ساوه. این رابطه دقیقاً تاریخی مانع از آن شده است که روابط دوسویه بین کانونهای همسایه شکلی کامل گیرد. بنابراین در اسلام - شهر، نه پدیده شهر یافت می‌شود و نه پدیده شهر اقماری، این امر عبارتست از نوعی شکل بندی اجتماعی - فضائی خوداتکاء در رابطه با پایتخت. شکل بندی که گاه از طریق توسعه و گسترش روستای قدیمی حادث شده است و گاه بوسیله هسته‌ای کاملاً جدید معنا می‌گردد.

هر چند که این مجموعه زیستی مسائل اجتماعی - اقتصادی و محیطی متعددی را سبب شده باشد، از نقطه نظر مسئله مسکن و در مقیاس پایتخت، سهم عمده‌ای را در

۷۸ گفتگو



پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی  
زمان و مکان علوم انسانی

کاهش بحران برعهده گرفته و می‌گیرد.

نیروی کاری که در این مجموعه سکنی گرفته است، در بخش اعظم خود رابطه مستقیم با تهران ندارد. این نیرو در کارخانه‌ها و کارگاهها مشغول به کار است که در جوار جاده‌های ساوه و کرج واقع شده‌اند. این نیرو در جواب به تقاضا و عرضه کار در مقیاس ملی در این مکان گرد آمده است و بدین قرار در رابطه‌ای غیرمستقیم با تهران قرار می‌گیرد.<sup>۲۰</sup>

هم از این روست که در بسیاری موارد، روابط اجتماعی - اقتصادی اسلام - شهر و کانونهای زیستی متشکله آن با تهران در معادله سلطه‌گری و سلطه‌پذیری جای نمی‌گیرد. این روابط نوعی خوداتکایی از نقطه نظر خدمات شهری (آموزشی، بهداشتی، درمانی، اداری و...) را عرضه می‌دارند. همین تصویر در خود اسلام - شهر نیز وجود دارد، جایی که هر کانون خدمات و نیازهای خاص خود را دارا می‌باشد. و اگر عوامل و عناصر بین ناحیه‌ای و بین کانونی (چون بیمارستان، دبیرستان، درمانگاه و...) وجود نمی‌داشت، هیچ رابطه اندامینی بین این کانونها برقرار نمی‌شد.

هر کانون در ارتباطی مستقیم با جاده ساوه (محور تغذیه کننده خود) به سوی مکانهای کار، ره می‌برد. این ارتباط غالب، دلیل جدایی‌گزینی اجتماعی - فضایی است که

مکانهای آموزشی موجود در بسیاری از موارد مکان مناسب ندارند



منظر اسلام - شهر را تحت سلطه دارد و هیچ محور موازی با جاده ساوه نتوانسته است تحقق یابد. حتی آمد و شد بین کانونهای مشکله نیز از طریق این جاده صورت می پذیرد.

تعریف شده بوسیله جدایی اجتماعی - فضائی، هر کانون خود را چون یک حوزه اجتماعی - فرهنگی خاص عرضه می دارد که بر روی خود بسته شده است، حوزه ای که دیگر بار نه شهری است و نه روستایی.

هر کانون تحت تأثیر این حوزه اجتماعی - فرهنگی تحت تسلط نوعی نظارت اجتماعی قرار دارد که تا کوچکترین امور فردی دامنه آن گسترده می شود. امری که ترکیب اجتماعی را از طریق همکاری و مشارکت اعضای جامعه مورد تأکید قرار می دهد در عین آنکه این معاضدت به ضرر کاهش بسیار دامنه آزادی فردی انجام می پذیرد.

پژوهش ما نشان داده، که روابط همسایگی نقشی تعیین کننده در هر یک از کانونهای مشکله و مجموعه اسلام - شهر دارند. مشکلات روزانه خانوار (ناشی از نتایج جنگ ۱۳۶۷ - ۱۳۵۹ و یا بدتر شدن وضعیت اقتصادی) و حتی محله، بوسیله همیاری و کمک متقابل اگر نه حل، که کاهش می یابد.

روابط همسایگی مشخص شده بوسیله نظارت اجتماعی و کمک متقابل نوعی فضای عمومی را سبب می گردند که بخش اعظم از زندگی کودکان در آنجای سپری می شود.<sup>۲۱</sup> به عبارتی دیگر، کوچه به مکانی تبدیل می گردد که کودک در آنجا و در فضائی بسیار وسیعتر (در مقایسه با خانه مورد سکونتش)، و بسیار جذابتر و مطمئن تر (در مقایسه با مکانهای کم و بیش دور) بزرگ می شود، مکانی که دوستان و همبازیهایش را می یابد، مکانی که در آن می آموزد که چگونه از خویش حفاظت کند، از حقوقش دفاع نماید و شادیها و غمهایش را با هم سن و سالانش تقسیم نماید، و بالاخره مکانی که، در بعضی از محلات و یا کانونها، با بزهکاری و کارهای ناشایست در هم آمیزد.

این چنین است که زندگی کوچه روابط همسایگی را استحکام می بخشد و بدین ترتیب تأکیدی دیگر برای نوعی هویت اجتماعی و برای شکل بخشیدن به «قومیتی» انجام می پذیرد که از این پس رابطه ای با «قوم گرایی» ندارد. قوانین نانوشته این «قومیت» از طریق نظارتی که قبلاً گفته شد کار بست می یابد؛ نظارتی که در محلاتی خاص، بزهکاران و تبه کاران را پنهان و حتی حفاظت می نماید.

وجود این مقررات بیشتر غیررسمی تا رسمی در بسیاری موارد نگرانیها و دل مشغولیهای را کاهش می بخشد که در اثر وضعیت اقتصادی حادث گشته اند و بدین ترتیب احساسی در خانوار را سبب می گردد که ناشی از حمایت آن بوسیله جامعه است.<sup>۲۲</sup>

حضور همسایگان، دوستان و ساکنان محله ای که یکدیگر را می شناسند، شرط

اصولی توازن ذهنی و روانی جامعه می‌گردد. امری که در نهایت به نوعی هویت اجتماعی کاملاً تعریف شده ختم می‌گردد، هویتی که از کانونی به کانونی دیگر و از هسته‌ای به دیگر هسته متفاوت می‌شود.

و بالاخره، علی‌رغم شباهت سازمان فضایی و ریخت‌شناسی کالبدی هسته‌ها و کانونهای زیستی متشکله اسلام - شهر، می‌توان به درک هویتی متفاوت از هر یک از کانونها و یا هسته‌ها دست یافت. جابه‌جائیهای مستقیم بین محل زیست و مکانهای کار متفاوت، نیز به این هویت اجتماعی استحکام می‌بخشد.

هویت اجتماعی خاص، احساس امنیت و ایمنی، کمک متقابل و همبستگی در همه زمینه‌ها، به نوعی تحرک یاخته‌های اجتماعی برای مدیریت و تسلط بر مسائل اجتماعی - اقتصادی زندگی روزمره منجر می‌گردد.

وجود روابط اجتماعی اوضاع و احوالی تازه می‌آفریند؛ همگان آنچه به دیگران می‌رسد را بازمی‌شناسند. این امر به مورد سؤال واقع شدن آزادی فردی و خانوار انجامیده و نظارت اجتماعی را قدرتی دوچندان می‌بخشد، حل مسائل فردی و شخصی به امری اجتماعی تبدیل می‌شود.

نظارت اجتماعی در چنین محیطی تمایل به پنهان کردن اختلافات دارد و هر آن کس که از قوانین آن تبعیت نمی‌کند را به کنار می‌گذارد. در مواردی که خانوار از تسلیم شدن به چارچوب غیر رسمی و سنتی‌ای که این نظارت تحمیل می‌کند، سرباز زند، چاره‌ای جز ترک محله ندارد.

## نتیجه

پدیده‌ای تازه تولید یافته است، گو اینکه این پدیده نوعی سازمان کالبدی کم و بیش شهری است، ولی سازمان اجتماعی - فرهنگی آن و نظارت اجتماعی که از آن حادث می‌شود، چارچوبی کم و بیش روستائی را عرضه می‌دارد، بی‌آنکه در هیچ یک از موارد خود را به مفهوم و یا مفاهیم سنتی (شهری و یا روستائی) بازبسی فرستد.

دگرگونی‌های اجتماعی - شهری در طول محورهایی که از پایتخت منشعب شده، پدیدار گشته‌اند. بدین قرار، بحران شهری بیش از پیش به سوی حومه‌ها و حاشیه‌های دورتر گسترده می‌گردد. محور منشعب شده از تهران، برای کانونها و هسته‌های زیستی پیرامون خود، نقش «بند ناف» را بر عهده می‌گیرد، «بند نافی» که هسته‌ها هم از آن تغذیه شده و هم تغذیه می‌گردند. گرایش جدائی‌گزینی هسته‌ها و یا کانونهای زیستی بنا به اهمیت نقشی که این محور دارد، شدت و یا ضعف می‌یابد.

دگرگونی و دگردیسی روستاهای مجاور شهری و تغییر شکل این روستاها به

هسته های اصطلاحاً شهری بر دگرگونی رفتار اجتماعی در جوامع مهاجر به این مکانها مؤثر می افتد و آن را تشدید می کند. امری که به ظهور و عوامل اجتماعی و شهری جدیدی منجر می گردد.

این عناصر و عوامل در عین اعمال شیوه های سنتی زندگی و زیست (کم و بیش روستائی)، شیوه های نوین زندگی (کم و بیش شهری) را تجربه می کنند و ترکیبی از این دو را بوجود می آورند. تداخل و امتزاج این دو شیوه زیستن متفاوت، در لحظه ای رخ می دهد که دگرگونی رفتار اجتماعی بر اثر شکوفایی وسایل ارتباطی در جریان است، امری که به نوبه خویش تجدید بنا و نوسازی تجهیزات شهری برای یک زندگی شهری قابل قبول را ایجاب می کند.

در حالی که تهران خود با مسائل عدیده ای دست به گریبان است که به خصوص در سطح تجهیزات شهری، نحوه دستیابی به زمین و مسکن و خدمات، در زمینه اجتماعی و در موارد محیطی، خودنمایی کرده و محسوس می باشند، خواسته های این کانونهای زیستی پیرامونی تشدید بحران را به دنبال دارند. بحرانی که به سرعت در توسعه بیش از پیش مجموعه های زیستی ای ترجمان می گردد که بر روی زمینهای تجهیز نشده گسترده می گردند و به دور باطل می انجامد که در منطوح تولید، نگهداری و مدیریت تأسیسات و تجهیزات شهری و به خصوص در تأسیسات زیرساختی، در حمل و نقل و در دفع آبهای مصرف شده و آلوده تظاهر می کند.

دسترسی به زمین، به مسکن و به خدمات حداقل، چهره ای دیگر از بحرانی است که تهران با آن مواجه است. عملکرد بازار زمین و ساختمان، منطبق مداخلات دولتی و یا دولت (که دولت بارها و بارها بدان رجوع کرده و می کند)<sup>۲۳</sup> و بالاخره موانع و بایدها و نیاید های برنامه ریزی شهری همگی به نتیجه ای نامطلوب از نقطه نظر اجتماعی - شهری رسیده اند.

در مقابله با این بحران شهری و تغییرات اجتماعی ناشی از آن و در ناتوانی بخش عمومی و دولتی در تسلط بر اوضاع، شاهد ظهور عوامل و عناصر اجتماعی - شهری تازه ای هستیم که در حاشیه نهادهای عمومی و دولتی (و گهگاه در تقابل با این نهادها) به ابداع مجدد تشکیلات سنتی دست یازیده اند و مداخلات خود را در اطراف جنبش های همیار مشارکتی سازمان داده اند.

این عوامل اجتماعی و مداخلات شهری - فضائی آنها در تولیدی جدید از سنتی جای گرفته اند که می توان آن را ابداع مجدد تجربه تاریخی نام نهاد که هیچ رابطه ای با بازتولید سر و ساده این تجربه ندارد.

نوگرایی که در بطن این پدیده نوین جرم یافته است، راهبرد جدیدی در برنامه ریزی

و ساماندهی اجتماعی - فضائی را طلب می کند و بر لزوم نگرشی جدید، برخوردی نوین و تحلیلی تازه از قضیه تأکید دارد. با مفاهیمی جدید ناشی از عمل این عوامل و عناصر جدید اجتماعی - شهری، می توان به نوعی برنامه ریزی انطباق یافته و ساماندهی منطقی دست یافت.

این برنامه ریزی و آن ساماندهی می باید در پی یافتن پاسخ و یا پاسخ هائی مساعد و قابل قبول برای پرسش های زیر باشند:

. این عناصر و عوامل جدید اجتماعی - شهری که امروزه در صحنه کانونهای مجاور شهر فعال هستند و از آنها فضائی هویت بخش ساخته اند چه کسانی هستند؟

. عمل و یا کنش های شهری منطقی که این عوامل جدید برای هویت بخشیدن به خویش در فضا و زمان حامل آنها هستند، کدامین ها می باشند؟

. این عوامل و عناصر جدید چه نقوشی را می توانند در مدیریت و اداره کانون زیستی و یا محله های خود دارا شوند؟

. چگونه می توان کنش ها و اعمال این عوامل را با نهاد های عمومی و قدرت دولتی پیوند زد؟

. نتایج این کنش ها و اعمال در سرنوشت کانونها و یا مجموعه ها کانونها و به عبارتی روشتر مجموعه زیستی کدامین ها هستند؟

اگر این حرکت پذیرفته شود، می توان به برون افکنی هویت اجتماعی - فرهنگی ساکنان اسلام - شهر در فضا و در زمان اندیشید. هر یک از کانونهای زیستی کوچک آن با ریخت شناسی خاص خود و یک هویت فضائی ویژه معرفی خواهند شد. در این صورت، کانونهای زیستی جدید می توانند با تراکم جمعیتی و ساختمانی تعریف شده، اندازه ای کم و بیش مطلوب و محدوده های کاملاً مشخص، تبیین گردند.

کتابشناسی  
- اهزی زهرا، حبیبی محسن، ارجمند نیا اصغر، خسرو خاور فرهاد: مسکن حداقل، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران، ۱۳۶۸.

- اشرف، احمد: ویژگیهای شهرنشینی در ایران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۴، مؤسسه علوم اجتماعی تهران، ۱۳۵۲.

- حبیبی، سید محسن: مفهوم شهر در ایران، صغه شماره ۳، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید

بهشتی، تهران، ۱۳۶۹.

- حبیبی، سید محسن: مسئله تمرکز و عدم تمرکز، مجله ساختمان، شماره ۵، تهران، ۱۳۶۷.  
- حبیبی، سید محسن، اهری زهرا، خسرو خاور فرهاد، جمالی ویکتوریا، بحرینی حسین: چگونگی دگرگونی روستاهای مجاور شهرهای بزرگ ایران، مورد اسلام - شهر، طرح پژوهشی، مؤسسه مطالعات محیط زیست، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ (منتشر نشده)

- طرح جامع تهران، وزارت آبادانی و مسکن، ۱۳۴۵.

- طرح جامع اسلام شهر، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۹.

- M. Arène : Un regard sur les seuils des logements sociaux, Lumières de la ville, No. 2. Paris, Banlieues 89, 1990.

- J. E. Boyer: Des espaces Periurbains en évolution, Ville en parallèle, No. 19, Uni. Nanterre, 1992.

- G. Burgel : Périurbanisation: Faut-il revenir a la ville? Ville en Parallèle, No. 19. Uni. Nanterre, 1992

- M. Habibi : Composition urbaine, de la ville "traditionnelle, à la ville moderne" en Iran, thèse de Doctrat, Uni, Paris 8., 1951.

- J. Jacobe : The Death and life of Great Americans cities, New York, 1961.

- F. Khosrowkhavar ;B. Hourcade : Le logement révolutionnaire, Herodote, Paris, 1982.

- A. Ashraf, A. Lambton: The Persian Land Reforms, 1962-1966, Iranian Studies, Volume 3. 1977.

#### یادداشت‌ها

۱- سید محسن حبیبی، دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه تهران، عضو وابسته گروه تحقیقاتی ۲۵۲ ایران معاصر - مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه (CNRS).

۲- نگاه کنید به: گزارشهای برنامه های اول، دوم و سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور - در قبل از انقلاب - سازمان برنامه و بودجه.

۳- ر. ک. به: تحقیقات انجام شده - در سالهای چهل و پنجاه - در مورد مسئله حاشیه نشینی. همه این تحقیقات عمدتاً در مؤسسه علوم اجتماعی آن روزگاران (دانشکده علوم اجتماعی امروزی) انجام یافته است. هم چنین نگاه کنید به تحقیقات انجام یافته در «سازمان مسکن» در مورد حاشیه نشینان تبریز، همدان، اراک و... این پژوهشها به منظور جوابگویی به مسئله مسکن انجام یافته اند.

۴- ر. ک. به طرح جامع تهران، وزارت آبادانی و مسکن، ۱۳۴۵.

۵- این پژوهش تحت مدیریت محسن حبیبی و با همکاری زهرا اهری، معمار و پژوهشگر، ویکتوریا جمالی

پژوهشگر مؤسسه مطالعات محیط زیست دانشگاه تهران، حسین بحرینی، دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه تهران و فرهاد خسرو خاور دانشیار مدرسه عالی تحقیقات علوم اجتماعی (EHESS) پاریس، انجام یافته است.

۶- محسن حبیبی، مسئله تمرکز و عدم تمرکز، مجله ساختمان، تهران، ۱۳۵۷.

۷- طرح جامع اسلام - شهر، وزارت مسکن و شهرسازی مهندسین مشاور همسو، ۱۳۶۹.

8. A. Ashraf, A. Lambton : The persian Land Reform, 1962-1966, Iranian Studies, Volume 3, 1977.

9. M. Habibi : Composition urbaine de la ville "traditionnelle" a la ville "moderne" en Iran, Thèse de doctrat, Universite, Paris 8, 1981. (non publiée)

امح اسلام شهر، مأخذ یاد شده.

۱۱- محسن حبیبی مفهوم شهر در ایران، مجله صیقل شماره ۳، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران ۱۳۶۹.

۱۲. Composition urbaine... , opcit.

13 - محسن حبیبی، زهرا اهری و دیگران، چگونگی دگرگونی روستاهای مجاور شهرهای بزرگ ایران، مطالعه موردی اسلام - شهر، دانشگاه تهران، مؤسسه مطالعات محیط زیست، ۱۳۷۱.

۱۴- همان مأخذ قبلی.

۱۵- همه داده های آماری مورد استفاده در این تک نگاری و مقاله، از تحقیقی که خود انجام داده ایم مستخرج شده است. ر. ک. به چگونگی دگرگونی... مأخذ یاد شده.

۱۶- مفهوم شهر در ایران، مأخذ یادشده.

۱۷- محسن حبیبی، زهرا اهری و دیگران، مسکن حداقل، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران، ۱۳۶۸.

18. F. Khosrowkavar ;B. Hourcade ' Le logement révolutionnaire, Her odote, Paris, 1982.

19 - احمد اشرف، ویژگیهای شهر گرایی در ایران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۴، ۱۳۵۲.

۲۰- چگونگی دگرگونی... مأخذ قبلی. *تال جامع علوم انسانی*

21. Arène Marguerite; Un regard sur les seuils des logements sociaux, Lumières de la ville, No. 2. Paris, Banlieues 89, 1990.

22. Jacobe Jane; The Death and life of Great American's Cities, New York, 1961.

23 - بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و بنابر تحول وضعیت شهر، دولت از طریق قوانین و مقررات متفاوتی به مداخله پرداخته است، مداخله ای که همیشه به منظور تسلط بر بحران شهری انجام شده است. به همین دلیل است که در دهه گذشته و تقریباً در هر سال، شاهد مقررات متعددی برای مداخلات جدید دولت بوده ایم. همه این مداخلات و تقریباً همه آنها نتوانسته اند حتی به تسکین بحران دست یابند.